

امکان سنجی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی بر بنیان سیاست‌های دارایی مبنای توسعه اجتماعات محلی

مطالعه موردی؛ سکونتگاه‌های غیررسمی کلانشهر تبریز

عیسی پیری^۱ - استادیار دانشگاه زنجان - گروه جغرافیا

مهرداد رضاییان - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت شهری، پردیس دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۴/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۰۶

چکیده:

سکونتگاه‌های غیررسمی به عنوان پدیده‌ای با ابعاد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و فضایی گسترده، معلول شهرنشینی مدرن و گفتمان پیشرفت در عصر روشنگری است که الگوی توسعه پایدار شهری را به چالش می‌کشد. از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی، رهیافت توانمندسازی با حمایت بانک جهانی به دنبال تحول و ساماندهی این نوع اجتماعات محلی از درون با سیاست‌سازی دارایی - مبنای و با تکیه بر دارایی‌های محلی از قبیل سرمایه اجتماعی، سرمایه کالبدی و سرمایه اندک مالی این نوع اجتماعات است تا با رویکرد فرایندگرایی، جامع‌نگری خوشبختی مردم و مکان و نیز ظرفیت‌سازی سکونتگاه‌های غیررسمی، تعهد و توانمندسازی را جایگزین فرهنگ استحقاق و بی‌بندوباری کند که در واقع پیامد سیاست‌های نیاز - مبنای توسعه اجتماعات محلی است. این مقاله بر مبنای روابط درونی رهیافت توانمندسازی و سیاست‌سازی دارایی - مبنای پیش می‌رود. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است. محلات اسکان غیررسمی ملانینال، سیلاب، قوشخانه و خلیل‌آباد خوشه‌های تحقیق هستند که حجم نمونه ۲۲۴ نفر می‌باشد. نتایج حاکی از آن است که مؤلفه‌های سیاست‌سازی دارایی - مبنای توسعه اجتماعات محلی (یعنی سرمایه اجتماعی، سرمایه کالبدی و سرمایه مالی) در توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی تأثیر معنی‌داری دارند.

واژگان کلیدی: دارایی - مبنای، سرمایه اجتماعی، سرمایه کالبدی، سرمایه مالی، سکونتگاه‌های غیررسمی، توانمندسازی.

۶۳

شماره دهم

بهار ۱۳۹۳

فصلنامه

علمی-پژوهشی

مطالعات

شهری

امکان سنجی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی بر بنیان سیاست‌های دارایی مبنای توسعه اجتماعات محلی

۱. مقدمه

سکونتگاه‌های غیررسمی معلول شهرنشینی مدرن و گفتمان پیشرفت در عصر روشنگری است. این نوع سکونتگاه‌ها با ابعاد مختلف خود، نمایشی فضایی - کالبدی از اجتماع‌پذیری غیراجتماعی افراد و گروه‌هاست و کانت، اندیشمند بزرگ عصر روشنگری استدلال می‌کند که سازوکار پیشرفت تاریخی از طریق آن عملی می‌شود (کالینیکوس، ۱۳۸۵: ۴۲). مفهوم گسیختن بنیادین مدرنیته که فیلسوف‌های روشنگری در اسکانند و فرانسه به هواخواهی آن برخاستند، در عرصه توسعه فضایی، شکل شهرنشینی سریع، قطبی شدن و گذار به پارادایم اقتصادی - اجتماعی صنعتی شدن به خود گرفت که با توسل به آنچه که راینهارت کازلک آن را شتاب‌گیری تاریخ در حرکتی رو به جلو می‌خواند، بند ناف جوامع مختلف را از گذشته‌شان برید (پیری، ۱۳۹۰: ۹۴). در اواخر قرن نوزدهم و به خصوص بعد از جنگ جهانی دوم، پدیده شهرنشینی سریع (پیران، ۱۳۶۶؛ شکویی، ۱۳۷۸؛ Fanni, 2006; Pacione, 2005) جمعیت زیادی را به سمت خود کشید که با ناتوانی پاسخگویی منابع اشتغال و خدمات شهری، طیف عظیمی از مهاجران روستایی، به صورت عدوانی و غیررسمی در محدوده بلافصل شهرها ساکن شدند که پیامد ناخواسته این اقدام جمعی و ناشی از عقلانیت ابزاری - راهبردی (نوذری، ۱۳۸۹؛ فوکو، ۱۳۸۹؛ منوچهری و حسینی، ۱۳۸۵) شکل‌گیری مناطقی است که بدون نظارت رسمی دولت و رعایت مقررات ساخت‌وساز با عنوان حاشیه‌نشینی یا سکونتگاه‌های غیررسمی به وجود آمدند. تداوم این ناتوانی و حتی عدم تعهد مدیران شهری در کشورهای در حال توسعه برای چاره‌اندیشی این معضل، باعث شد تا این نوع الگوی سکونت شاید ۳۰ تا ۸۰ درصد جمعیت شهری کشورهای در حال توسعه را شامل شود (Barry, 2006: 629). در دهه‌های اخیر در طول انجام برنامه‌ها و طرح‌های اجتماعی - اقتصادی توسعه خطی و کارکردگرایانه، با نگرشی لیبرالیستی، همه منتظر حل معضل از طریق دست پنهان بازار آزاد و لسه فر بودند و در همین دوران به خصوص دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ راهبرد تخریب و یا انتقال به مسکن اجتماعی و عمومی اندیشیده شد. با انتقاد از آن، در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ راهبرد تأمین زمین و خدمات توسط کسانی مانند جان ترنر ارائه شد که با نادیده‌انگاری موضوعات اجتماع محلی مانند سرمایه اجتماعی و کالبدی، ساکنان این طرح‌ها نیز با شکست مواجه شده و باعث انتقال کلنی فقر و حاشیه‌نشینی شد (پیری و دیگران، ۱۳۹۰). در اواخر دهه ۱۹۸۰ رهیافت توانمندسازی با سیاست‌سازی دارایی - مینا و متکی بر سرمایه‌های اجتماعی، کالبدی و مالی ساکنان و با رویکردی فرایندگرا، ابزاری و ظرفیت‌سازی اجتماع محلی^۴، افراد ساکن در این نوع سکونتگاه‌ها را نه به عنوان معضل بلکه به عنوان دارایی می‌نگرد و ارتقای وضعیت اجتماعی - اقتصادی آنها را با نقش تسهیل‌گر دولت بر عهده خود آنان

می‌گذارد تا تعهد و توانمندسازی را جایگزین فرهنگ استحقاق و فرهنگ فقر بنماید. این مقاله بر بنیان این سؤال اساسی انتظام یافته است؛ دارایی‌های اجتماعی، کالبدی و مالی محلی موجود در سکونتگاه‌های غیررسمی تبریز چه نقشی در توانمندسازی دارند؟ طرح‌های توانمندسازی در شهر تبریز و اغلب شهرهای بزرگ کشور که با سکونتگاه‌های غیررسمی مواجه هستند، معمولاً با برخورد به بوروکراسی شدید و نامعقول اداری، دچار نوعی انحراف در ماهیت معرفت‌شناختی و روش‌شناختی شده‌اند. بنابراین آنچه صورت گرفته است، نشانی از دگرگونی و یا تحول از ماهیت طرح‌های عمومی و موضعی که مدیریت شهری معمولاً انجام می‌دهد، ندارد. معرفت‌شناختی^۵ و روش‌شناختی^۶ پوزیتیویستی و کارکردگرایی عناصر شهری بر طرح‌های مدیریت شهری مستولی است و این امر ناشی از انگاره هستی‌شناختی^۷ مکانیکی و ابزاری و شیئی‌گرا از ماهیت متحول و دگرگون شونده و غیر قابل پیش‌بینی شونده‌ای مانند شهر است.

۲. چارچوب مفهومی سیاست‌های دارایی - مینا

سیاست‌های دارایی - مینا^۸، رویکردی نوین در توسعه اجتماعات محلی^۹ است که با تکیه و تأکید بر قابلیت‌های درونی جوامع، مجموع دارایی‌های اجتماعی محلی را اساس توسعه قرار می‌دهد. رویکرد دارایی - مینا در برابر رویکرد مرسوم نیاز - مینا^۹ تعریف می‌شود.

فرایندگرا در برابر پیامدگرا: این ویژگی سیاست‌های دارایی - مینا از رهگذر ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی بر مبنای بسیج دارایی‌های اجتماعی، مالی و یا کالبدی آنها اتفاق می‌افتد. رویکرد پیامدگرا میان رفاه مردم و مکان تفاوت می‌گذارد. برای مثال این رویکردها مردم را مستقیماً از طریق یارانه‌های دولتی و قطع نظر از مکان زندگی آنها هدف قرار می‌دهند. به همین ترتیب، مکان هدف رویکرد سیاست‌گذاری با پیامد خاص کالبدی است و به اثرات آن بر روی مردم بی‌توجه است (عارفی، ۱۳۸۰: ۲۳).

جامع در برابر مقوله‌ای: رویکرد دارایی - مینا واجد ویژگی جامعیت در برابر مقوله‌ای است. سیاست‌های نیاز - مینا نوعاً مقوله‌ای هستند و نشانه‌های فقر را هدف قرار می‌دهند و معمولاً محله‌های نیازمند را عاری از روح اجتماعی و شبکه‌های مدنی قلمداد می‌کنند (همان منبع: ۲۸-۲۷). برای مثال می‌توان از سیاست تخریب و پاکسازی گتوهای فقر و حاشیه‌نشینی در بسیاری از کشورهای جهان سوم نام برد. پاکسازی محله خاک سفید تهران، تخریب و پاکسازی زاغه‌های منطقه سیدی و انتقال زاغه‌نشینان قلعه آبکوه در شهر مشهد (حاتمی نژاد، زمردیان، ۱۳۸۱: ۱۶) نمونه‌هایی از برخورد مقوله‌ای و تمایز رفاه مردم و رفاه مکان به جای جامعیت این دو

4 Epistemology

5 Methodological

6 Ontological

7 Asset - based policies

8 Communities

9 Need - based

1 Rapid Urbanization

2 Laissez Fair

3 Capacity building of communities

است. برخورد های مقوله ای، تلقی حاشیه های بدون روح اجتماعی و شبکه های غیر رسمی دارند که در رویکرد جامع نگر این مفاهیم، ابزار برای تلقی آنها به عنوان دارایی های محلی به حساب می آید.

ابزاری در برابر درونی: توسعه اجتماعی، فرایند سیاست سازی و تصمیم گیری با رویکرد دارایی - مبنا را تشکیل می دهد و دارایی های اجتماع محلی از قبیل سرمایه های اجتماعی و کالبدی و سایر منابع محلی به عنوان ابزاری برای دست یافتن به اهداف توسعه اجتماعی تلقی می شوند.

۳. مؤلفه ها و شاخص های سیاست های دارایی - مبنا

دارایی به منزله موجودی و توان مادی، اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی انسان و یا اجتماع محلی است که شکل بروز و ظهور آن در مقیاس اجتماع محلی به صورت شبکه ای است که افراد را برای برآوردن نیازهای خود به هم پیوند می زند. سیاست سازی و تصمیم گیری مدیران شهر برای دست یافتن به توسعه محلی بر مبنای این الگو می تواند شاخص های زیر را مورد توجه قرار دهد:

سرمایه اجتماعی: بر اساس ادبیات موجود، سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموعه ای از هنجارها و قوانین و شبکه های غیر رسمی که همراهی، اعتماد و کنش جمعی برای به دست آوردن کالای عمومی را فراهم می آورد (Maru, McAllister & Smith, 2007:183) و شامل جنبه هایی از ساختار اجتماعی است که کنش جمعی را تسهیل کرده (Suzuki, 2010:1368) و منابعی را برای دستیابی مردم به اهدافشان در اختیار می گذارد (Chuang, 2008:1322).

سرمایه کالبدی: سرمایه کالبدی، موجودی مادی از قبیل مسکن، راه ها، پارک ها و فضاهای عمومی را شامل می شود. این نوع سرمایه ها، اصولاً فرسایشی هستند و در طول زمان بر اثر مصرف فرسوده می شوند. سرمایه های کالبدی با فراهم آوردن زمینه های ارتباط همسایگی، روابط رودررو، نمایش فضایی هنجارهای حاکم بر محلات اجتماعی، باعث تحکیم این روابط شده و از سوی دیگر باعث بالا رفتن سرمایه های اجتماعی می شوند (پیری، ۱۳۸۳: ۲۶۰).

سرمایه مالی: آشکارترین و ملموس ترین نوع سرمایه در واقع سرمایه مالی^۲ است که به دارایی های بانکی، پس انداز، پول نقد و درآمد ماهانه و یا سالانه افراد، گروه ها و شرکت ها اطلاق می شود. در سطح اجتماعات محلی شاید کمبود و حتی فقدان جمعی نوع اخیر سرمایه باعث حاشیه رانده شدن آنها از متن اجتماع شهری شده و نوعی جدایی گزینی فضایی را به وجود می آورد که در سال های اخیر از عوامل عمده ایجاد ناپایداری در مناسبات شهری به ویژه در کشورهای در حال توسعه، گونه ای شهرنشینی با مشکلات حاد موسوم به اسکان غیر رسمی است (نقدهی، صادقی، ۱۳۸۸: ۲۰) که در حقیقت ناشی از انقلاب صنعتی است (Mumtaz and Bahar, 2001:105). این نوع سکونتگاه ها در

سراسر دنیا چالش هایی با قوانین رسمی برنامه ریزی شهری و پاکسازی زاغه ها دارند (Winayanti and Lang, 2004:42). بنابراین بازتاب فضایی فقدان این نوع سرمایه و نابرابری درآمد در کنار سایر عوامل، شکل گیری نوعی اجتماع محلی را بینسون کروزوئی است که جزیره های متفاوت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حتی سیاسی به وجود می آورد.

۴. رهیافت توانمندسازی سکونتگاه های غیر رسمی

واژه توانمندسازی^۳ در بافت های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مختلف معانی متفاوتی را به خود می گیرد که شامل کنترل، قدرت متکی به خود^۴، اتکا به خود^۵، انتخاب، زندگی شرافتمندانه مطابق با ارزش های خویش، ظرفیت چالش و مقابله بر سر حقوق خویش، آزادی، آگاهی و توانایی می باشد که در درون نظام های ارزشی و عقیدتی جای دارد (Narayan, 2002:13-14). با این حال بانک جهانی، تعریف رسمی این واژه را این چنین بیان داشته است: "توانمندسازی عبارت است از گسترش دارایی ها و توانایی های افراد فقیر به منظور مشارکت، چانه زنی، تأثیرگذاری، کنترل و حفظ مؤسسات پاسخگویی که زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می دهند (Ibid). رویکرد توانمندسازی سکونتگاه های غیر رسمی که با توجه به مقیاس رشد شهرنشینی و افزایش سکونتگاه های غیر رسمی در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی به کار گرفته شده، مسئله سکونت غیر رسمی را در چارچوب رهیافت جامع تر تأمین مسکن و در ارتباط با اهداف توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاست گذاری ها و ابزارهای موجود مورد توجه قرار می دهد؛ به این مفهوم که تأمین مسکن برای اکثریت جمعیت شهری به صورتی کارآمد فقط از طریق رویکرد جامع توانمندسازی امکان پذیر است که شامل دسترسی به تأمین منابع مالی و اعتباری، زیرساخت های پایه و خدمات و به رسمیت شناختن تصرف و حق مالکیت آنهاست (Petrella and You, 1999). توانمندسازی از این دیدگاه، استفاده صرف از خزانه دولتی نیست بلکه ایجاد زمینه بهره گیری از توان و منابع محلی این جوامع به منظور بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی است. تلاش های موفقیت آمیز به منظور توانمند کردن مردم فقیر باعث افزایش آزادی انتخاب و عمل آنها در بافت های مختلف می شود. چهار عنصر مشترک رهیافت توانمندسازی عبارت است از: دسترسی به اطلاعات، مشارکت و شمول، پاسخگویی و ظرفیت سازمانی محلی (Narayan, 2002:13-14).

۵. مدل نظری سیاست های دارایی - مبنا توسعه اجتماع

محلی و رهیافت توانمندسازی در سکونتگاه های غیر رسمی

در حالی که برنامه ریزان و سیاستمداران اهمیت داری های محلی، شامل سرمایه های فیزیکی (مسکن، جاده ها و فضای عمومی) و سرمایه اجتماعی (شبکه های غیر رسمی اعتماد و رابطه متقابل) را در بالا بردن سلامت اجتماعات شناخته اند، ارتباط

3 Empowerment

4 Self-power

5 Self-reliance

1 Physical capital

2 Financial capital

بین این داری‌ها و سیاست‌گذاری مبهم است (Arefi, 2004:2). از طرفی رویکرد نیاز-مبنا، نیازهای اجتماع محلی را مبنای توسعه قرار می‌دهد اما رویکرد داری مبنای توسعه و ویژگی دارد:

- ۱- بر ظرفیت‌سازی تأکید دارد و فرایندگراست.
 - ۲- همچنین به دلیل بسیج همه داری‌های اجتماعی و کالبدی اجتماع محلی، جامع‌نگراست.
 - ۳- در نهایت واجد اهمیت "ابزاری" است زیرا سرمایه اجتماعی و کالبدی را به عنوان ابزاری برای سایر اهداف به کار می‌برد.
- دیدگاه داری-مبنا، جامع‌نگراست و به انسجام "رفاه مردم" و "مکان" یا "خوشبختی مردم و مکان"، تمایل دارد. بر خلاف آن، رویکرد نیاز-مبنا، این دو گونه رفاه را از هم متمایز می‌کند (عارفی، ۱۳۸۰:۲۴). رویکرد نیاز-مبنا که رویکردی پیامدگراست، میان رفاه مردم و مکان تفاوت می‌گذارد. برای مثال، این نوع رویکردها مردم را مستقیماً از طریق پارانه‌های دولتی و قطع نظر از مکان زندگی

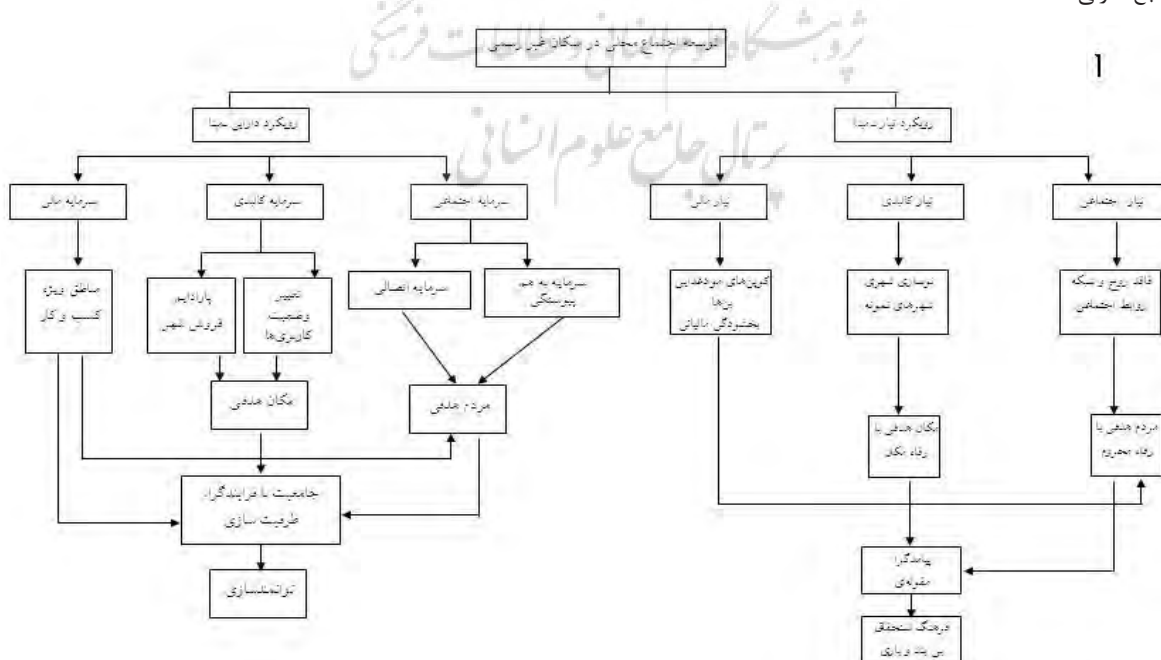
آنها هدف قرار می‌دهند، به همین ترتیب مکان، هدف رویکرد سیاست‌گذاری رایج با پیامد خاص کالبدی است و به اثرات آن بر روی مردم بی‌توجه است. سیاست‌های مبتنی بر رویکرد نیاز، سیاست‌های مستقلی را در برابر مکان و مردم در پیش می‌گیرند. ماتریس زیر حاوی تقسیمات دو گانه نیاز / داری و مردم / مکان می‌باشد و به بررسی تفاوت‌های میان رویکرد داری-مبنا و نیاز-مبنا می‌پردازد (جدول ۱).

ماتریس فوق چهار وضعیت قابل تصور برای سیاست را نشان می‌دهد که عبارتند از: (۱) نیاز-مبنا، مردم گرا (۲) داری-مبنا، مردم گرا (۳) نیاز-مبنا، مکان گرا (۴) داری-مبنا، مکان گرا. بعد افقی به دو نوع سیاست رفاه مردم و یا مکان تقسیم شده است و بعد عمودی رویکرد نیاز و داری را نشان می‌دهد. رویکرد نیاز با هدف‌گیری اجتماعی از طریق وابسته کردن مردم به خدمات رفاهی و کوپن‌های مواد غذایی و اعانات، نوعی فرهنگ استحقاق

جدول ۱- رویکرد سیاست و پیامد مربوط به هدف (وضعیت)

نوع سیاست دولتی		مردم	مکان
نیاز		هدف‌گیری اجتماعی	هدف‌گیری جغرافیایی
		استحقاق خدمات رفاهی کوپن‌های مواد غذایی اعانات	بازسازی مجموع صفر نوسازی شهری خانه‌سازی دولتی کمک‌های بلا عوض دولتی برای توسعه اجتماع محلی
داری		سرمایه اجتماعی توانمندسازی سرمایه به هم پیوستگی سرمایه اتصالی	سرمایه کالبدی بسیج منابع برای مکان انجمن‌های توسعه اجتماع محلی

منبع: عارفی، ۱۳۸۰: ۲۴



تصویر ۱- فرآیند پیامد مربوط به رویکرد داری/نیاز در توسعه سکونتگاه‌های غیررسمی

و وابستگی را به وجود می‌آورد که با تداوم چرخه فقر، تعهدی در مردم برای پیشرفت ایجاد نمی‌کند. در حالی که رویکرد دارایی، گذار از استحقاق به توانمندسازی را با تأکید بر سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد و همچنین رویکرد نیاز با هدف‌گیری جغرافیایی (مکان - مبنا) از قبیل نوسازی شهری، خانه‌سازی دولتی و با وضعیت بازی باخت - باخت یا مجموع صفر و پرو خواهد بود (همان منبع). رهیافت توانمندسازی برخلاف استحقاق، گذار از تلقی مردم به عنوان یک مسئله (نیاز) به سمت نگرش به آنها به عنوان راه‌حل (دارایی) را نشان می‌دهد. این گذار نقشی فعال برای شهروندان فرض می‌کند تا جایگزین نقش در حال کاهش دولت در امور محلی شود. راهبرد توانمندسازی به طور ضمنی، بر جامعیت اشاره دارد و دگرگونی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را پیشنهاد می‌کند. در مدل منطقی و نظری زیر رویکردهای دارایی / نیاز و پیامدهای مربوط هدف (استحقاق و بی‌پندوباری و راهبرد توانمندسازی) بیان شده است (تصویر ۱).

۶. محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه تحقیق، سکونتگاه‌های غیررسمی کلانشهر تبریز است که هم از نظر وضعیت کالبدی و هم تنوع بافت اجتماعی - اقتصادی و نیز زمان تاریخی تکوین اجتماعات محلی ساکن در آنها کیفیات متفاوتی را به نمایش می‌گذارند. شهر

تبریز همانند اغلب کلانشهرهای ایران با موضوع سکونتگاه‌های غیررسمی دست به‌گریبان است که در متن و حاشیه خدماتی شهر قرار گرفته‌اند. پهنه‌های فضایی مختلفی در تصرف سکونتگاه‌های غیررسمی است که از آن میان عبارتند از: پهنه شمال شهر، پهنه شمال غرب (محل پارک بزرگ)، پهنه جنوب شهر (حاشیه شمالی کنار گذر جنوبی انتهای خیابان‌های مارالان، حافظ، طالقانی و لاله) و پهنه حاشیه‌نشین جنوب غربی شهر (حاشیه‌نشین آخماقیه). محلات مورد مطالعه در این تحقیق در محدوده پهنه شمالی قرار می‌گیرند که در واقع بزرگترین پهنه اسکان غیررسمی شهر تبریز نیز می‌باشد (نقشه ۱ و نقشه ۲).

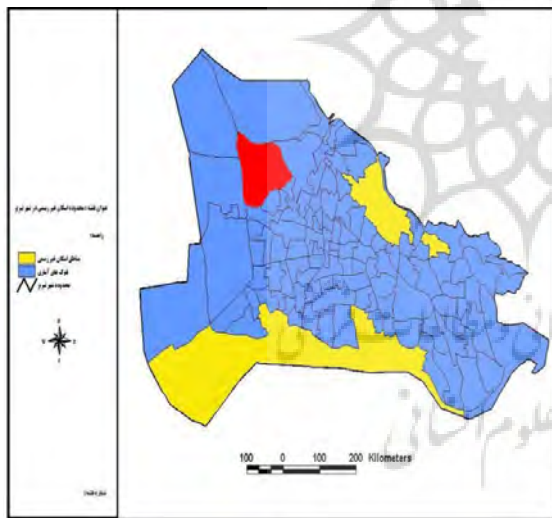
مجموع جمعیت این محلات، ۸۹ هزار و ۸۳۶ نفر در سال ۱۳۸۵ ثبت شده است که میانگین نسبت جنسی ۱۰۴ می‌باشد (جدول ۲)

۷. فرضیه تحقیق

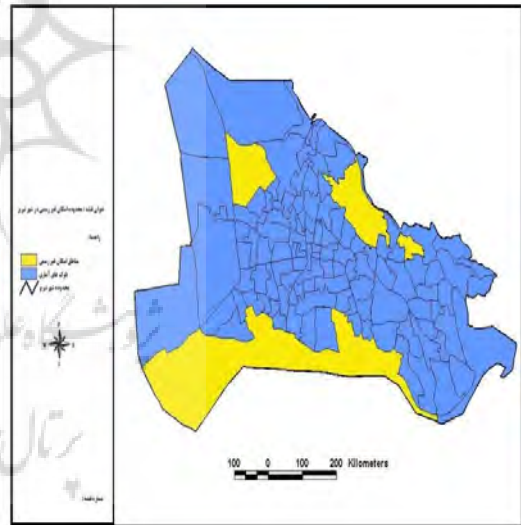
به نظر می‌رسد دارایی‌های اجتماعی، کالبدی و مالی محلات اسکان غیررسمی تبریز تأثیر معنی‌داری در اجرای سیاست توانمندسازی این محلات دارد.

۸. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی است. با توجه به بحث‌های نظری مقاله، فرضیه تحقیق محک تجربی و آزمون آماری می‌شود.



نقشه ۲ - محدوده مورد مطالعه



نقشه ۱ - پهنه‌های اسکان غیررسمی تبریز

جدول ۲ - جمعیت به تفکیک زن و مرد و نسبت جنسی محلات هدف - ۱۳۸۵

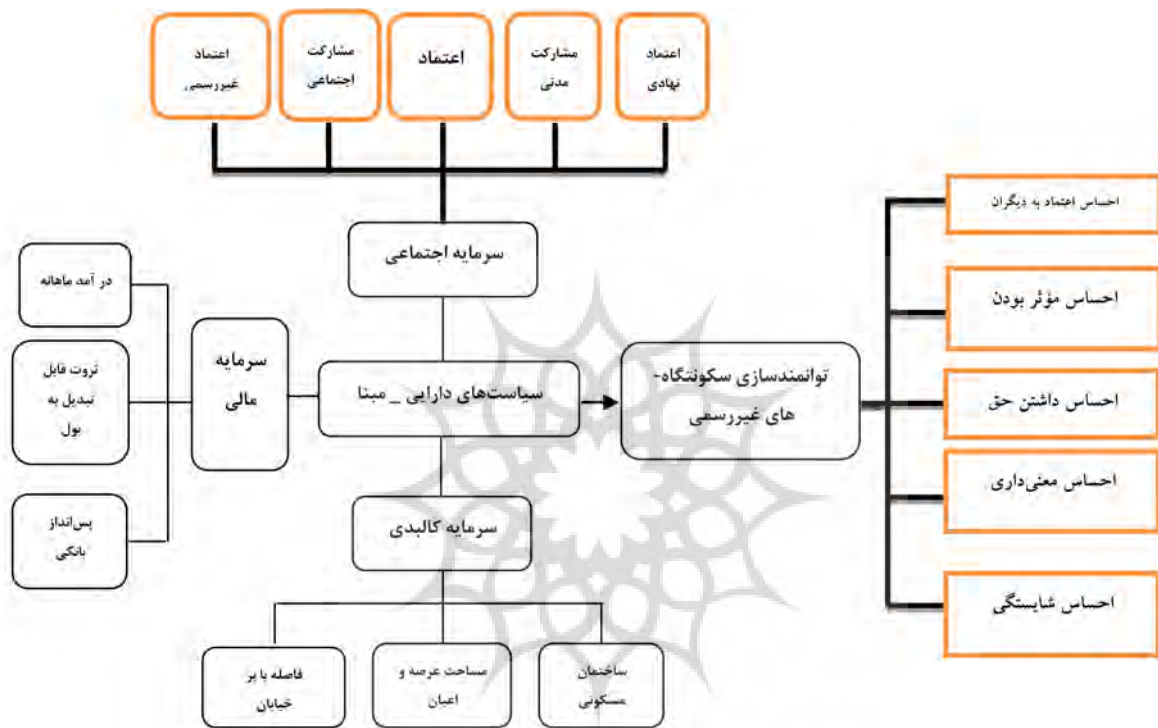
شرح	مرد و زن	مرد	زن	نسبت جنسی
شهر تبریز	۱۴۴۸۶۵۳	۷۴۲۳۲۳	۷۰۶۳۳۰	۱۰۵
کل ۴ محله	۸۹۸۳۶	۴۵۹۱۹	۴۳۹۱۷	۱۰۴
ملازینال	۱۲۷۷۶	۶۵۱۶	۶۲۶۰	۱۰۵
احمدآباد	۱۳۸۳۸	۷۰۵۷	۶۷۸۱	۱۰۳
قوشخانه	۲۵۵۰۹	۱۳۰۱۰	۱۲۴۹۹	۱۰۴٫۷
خلیل آباد	۳۷۷۱۸	۱۹۲۳۶	۱۸۴۸۲	۱۰۵٫۶

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵

با استفاده از الگوی ۵ طیفی لیکرت (کاملاً موافقم ۵ و کاملاً مخالفم ۱) به روش پیمایشی و در قالب یک پرسشنامه گویه‌های سنجنده شاخص هر دارایی یا سرمایه ساکنان محروم سکونتگاه‌های غیررسمی تبریز مطرح شده است. با توجه به اینکه محدوده‌های فضایی سکونتگاه‌های غیررسمی تبریز از منظر شاخص‌های کالبدی و اجتماعی و مالی در وضعیت متفاوتی قرار دارند، در سنجش رابطه معنی‌داری بین متغیر مستقل (سیاست‌های دارایی - مبنای) و متغیر وابسته (توانمندسازی) سعی شده است، نمونه مورد نظر حامل این تنوع باشد.

۹. جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

سکونتگاه‌های غیررسمی کلانشهر تبریز جامعه آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهد. چهار خوشه متفاوت اسکان غیررسمی برای پیمایش میدانی انتخاب شده‌اند که عبارتند از: ملازینال، سیلاب، قوشخانه و خلیل‌آباد. این چهار خوشه از نظر شاخص‌های مطرح در مدل مفهومی وضعیت متفاوتی دارند. روش نمونه‌گیری دو مرحله‌ای خوشه‌ای و سیستماتیک است که در ابتدا خوشه‌های مورد نظر انتخاب و سپس به روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک جمعیت پاسخگو انتخاب شده‌اند. حجم نمونه با استفاده از فرمول عمومی کوکران و با سطح اطمینان ۹۵ درصد و



تصویر ۲- مدل مفهومی تحقیق
جدول ۳- سازه‌های اصلی و ضرایب آلفا کرونباخ

متغیر	سازه اصلی سنجش	تعداد گویه	آلفا کرونباخ
سرمایه کالبدی	کیفیت ساختمان مسکونی تأثیر مهمی در توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی دارد	۵	۰/۶۵
	مساحت عرصه و اعیان و تعداد اتاق در توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی تأثیر دارد	۵	۰/۶۳
	دوری یا نزدیکی با بر خیابان در توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی تأثیر دارد	۵	۰/۷۸
سرمایه اجتماعی	اعتماد به نهاد‌های دولتی و رسمی (اعتماد نهادی) باعث توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی می‌شود	۵	۰/۶۸
	فعالیت‌های مدنی همانند عضویت در NGO ها نقش مهمی در توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی دارد	۵	۰/۷۱
	اعتماد به همسایگان و غریبه‌ها (اعتماد تعمیم یافته) در توانمندسازی محلات اسکان غیررسمی تأثیر مثبتی دارد	۵	۰/۷۲
	اعتماد به خویشاوندان و دوستان نزدیک (اعتماد غیررسمی) در توانمندسازی اسکان غیررسمی تأثیر دارد	۵	۰/۸۱
سرمایه مالی	مشارکت در فعالیت‌های محله - محور همانند فعالیت‌های مذهبی، ورزشی، فرهنگی و... باعث توانمندسازی می‌شود	۵	۰/۷۶
	حجم درآمد ماهانه و سالانه خانوار نقش مهمی در توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی دارد	۵	۰/۸۵
	امکانات مادی همانند خودرو یا موتورسیکلت و... در توانمندسازی نقش مهمی دارد	۵	۰/۸۳
	حجم پس‌انداز بانکی خانوار در توانمندسازی محلات اسکان غیررسمی نقش مهمی دارد	۵	۰/۸۹

مأخذ: نویسندگان

مقدار دقت احتمالی ۰/۰۵ و با استفاده از واریانس متغیر وابسته، به تعداد ۲۲۴ نفر انتخاب شده است.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{2 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

۱۰. مدل مفهومی

این مدل ارتباط متغیر مستقل (سیاست‌های دارایی - مبنا) و متغیر وابسته (توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی) به همراه مؤلفه‌های آنها را نشان می‌دهد (تصویر ۲).

۱۱. پایایی تحقیق

برای آزمون قابلیت اعتماد ابزار تحقیق و سازه‌ها از درون‌یابی آماری آلفا کرونباخ استفاده شده است. با استفاده از این آزمون، سازه‌های سنجنده به همراه متغیرها و مؤلفه‌های هر متغیر توسط جمع ۲۲ نفری از اساتید و متخصصان جامعه‌شناسی، جغرافیای شهری و اقتصاد مورد تأیید قرار گرفته‌اند.

$$r_{\alpha} = \frac{j}{j-1} \left(1 - \frac{\sum s_j^2}{s^2} \right)$$

۱۲. یافته‌های تحقیق

توصیف نمونه آماری: ۱۳۱ نفر از پاسخگویان مرد (۵۸/۴۸) و ۹۳ نفر از ایشان زن (۴۱/۵۱) بودند. میانگین سن کل پاسخگویان ۳۸/۱۸

سال بوده است. میانگین سن پاسخگویان برای زنان ۳۴/۱۳ و برای مردان ۴۲/۲۳ است. تقریباً تمام پاسخگویان متأهل بوده و وضعیت تحصیلی و سواد یکسانی داشتند؛ اغلب تحصیلات سیکل یا دیپلم داشتند.

نرمال بودن داده‌ها: با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف نرمال بودن داده‌ها را می‌توان بررسی کرد که ما در اینجا این آزمون را برای کل داده‌ها و نیز تک‌تک متغیرها انجام داده‌ایم که نتایج آن به صورت جداول نشان داده شده است. این آزمون در سطح اطمینان ۹۵ درصد انجام می‌گیرد؛ به عبارتی سطح معنی‌داری ما ۵ درصد $\alpha =$ می‌باشد.

در این آزمون ما دو فرض زیر را داریم:

H_0 : داده‌ها از توزیع نرمال پیروی می‌کنند.

H_1 : داده‌ها از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند.

اگر p - مقدار به دست آمده بزرگتر از $\alpha = ۰/۰۵$ باشد نرمال بودن داده‌ها را نتیجه می‌گیریم و در غیر این صورت به نرمال بودن داده‌ها شک می‌کنیم.

با توجه به نتایج به دست آمده در جداول ۳ و ۴ و از آنجایی که p مقدار به دست آمده برای آزمون‌ها بزرگتر از سطح معنی‌داری ما یعنی می‌باشد، فرض نرمال بودن داده‌ها را پذیرفته و می‌توان برای بررسی فرضیه‌ها از روش‌های پارامتری استفاده کرد که ما در اینجا از روش ضریب پیرسون و تحلیل رگرسیون دو متغیری و چند متغیری استفاده خواهیم کرد.

جدول ۴- نتایج آزمون نرمال بودن مربوط به متغیر توانمندسازی و ابعاد آن

متغیرها	تعداد داده‌ها	آماره کولموگروف اسمیرنوف	p- مقدار
توانمندسازی	۲۲۴	۰/۷۵۶	۰/۶۱۷
احساس شایستگی	۲۲۴	۰/۶۰۶	۰/۳۱۷
احساس خودمختاری	۲۲۴	۰/۹۷۲	۰/۳۰۱
احساس مؤثر بودن	۲۲۴	۰/۸۱۴	۰/۵۲۲
احساس معنی‌دار بودن	۲۲۴	۰/۷۳۵	۰/۶۱۱
احساس اعتماد	۲۲۴	۱/۲۱۵	۰/۱۰۵

جدول ۵- نتایج آزمون نرمال بودن مربوط به متغیر سیاست‌های دارایی - مبنا و ابعاد آن

متغیرها	تعداد داده‌ها	آماره کولموگروف اسمیرنوف	p- مقدار
سیاست‌های دارایی مبنا	۲۲۴	۱/۲۴۱	۰/۱۰۸
سرمایه کالبدی	۲۲۴	۰/۹۰۱	۰/۱۸۱
سرمایه اجتماعی	۲۲۴	۱/۱۲۱	۰/۱۳۱
سرمایه مالی	۲۲۴	۱/۰۲۱	۰/۱۵۴

جدول ۶- آزمون همبستگی پیرسون فرضیه تحقیق

Sig	ضریب همبستگی	تعداد پاسخگویان	سطح معنی‌داری
۰/۰۰۰	R = ۰/۸۵۴	N = ۲۲۴	$\alpha = ۰/۰۵$

۱۳. آزمون فرضیه

H0: به نظر می‌رسد دارایی‌های اجتماعی، کالبدی و مالی محلات اسکان غیررسمی تبریز تأثیر معنی‌داری در اجرای سیاست توانمندسازی این محلات ندارد.
آزمون همبستگی پیرسون (Pearson Correlation) (جدول ۶)

H1: به نظر می‌رسد دارایی‌های اجتماعی، کالبدی و مالی محلات اسکان غیررسمی تبریز تأثیر معنی‌داری در اجرای سیاست توانمندسازی این محلات دارد.

جدول ۷- نتایج تحلیل دو متغیره ابعاد متغیر مستقل در توانمندسازی

ضریب رگرسیون ساده	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۰۳	توانمندسازی	میزان اعتماد نهادی فرد در محله
۰/۰۷	توانمندسازی	میزان مشارکت مدنی
۰/۰۱	توانمندسازی	سطح اعتماد تعمیم یافته
۰/۰۲	توانمندسازی	مشارکت اجتماعی
۰/۰۳۲	توانمندسازی	اعتماد غیررسمی
۰/۰۶۸	توانمندسازی	درآمد ماهانه
۰/۰۸۴	توانمندسازی	ثروت قابل تبدیل به پول
۰/۰۶۵	توانمندسازی	پس انداز بانکی
۰/۰۱۰	توانمندسازی	ساختمان مسکونی
۰/۰۵۶	توانمندسازی	مساحت عرصه و عیان و تعداد اتاق
۰/۰۵۷	توانمندسازی	فاصله با بر خیابان

جدول ۸- مشخصات کلی مدل رگرسیون چند متغیری

خطای استاندارد	تصحیح شده	ضریب تعیین	ضریب همبستگی
۰/۴۸۶	۰/۵۰۴	۰/۵۲۴	۰/۷۸۴

جدول ۹: ضرایب متغیرهای رگرسیون چند متغیره

متغیر	B	Std error	Beta	t	.Sig
ثابت معادله	۰/۸۴۵	۰/۵۰۱	-	۲/۹۴۴	۰/۰۲۴
سرمایه کالبدی	۰/۵۰۹	۰/۰۸۴	۰/۵۱۰	۶/۳۱۲	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی	۰/۵۸۲	۰/۲۴۳	۰/۳۳۶	۴/۴۰۴	۰/۰۰۰
سرمایه مالی	۰/۴۷۶	۰/۰۷۰	۰/۹۰۱	۶/۵۶۷	۰/۰۰۰

تحلیل چند متغیری: پردازش نهایی مدل به روش قدم به قدم انجام شد که نتایج آن عبارتند از (جدول ۷):
ضریب تعیین حاکی از میزان تبیین واریانس متغیر وابسته است. در جدول فوق مشاهده می‌شود که مدل پردازش شده ۵۲ درصد از واریانس متغیر تابع را تبیین کرده است. در جدول زیر مقادیر متغیرهای باقیمانده در رگرسیون چند متغیره بیان شده‌اند (جدول ۸).

این آزمون نشان‌دهنده همبستگی مثبت و بالای بین متغیر مستقل سیاست‌های دارایی - مینا و متغیر تابع توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی می‌باشد. نتیجه نشان می‌دهد که به ازای یک واحد تغییر در متغیر مستقل، مقدار ۰/۸۵۴ واحد تغییر در متغیر تابع را می‌توان انتظار داشت. این پیش‌بینی براساس آزمون فوق در سطح ۹۵ درصد به صورت دو طرفه معنی‌دار می‌باشد.
تحلیل دو متغیره: در این تحلیل فرضیه‌های فرعی مربوط به تأثیر ابعاد و مؤلفه‌های متغیر مستقل در توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی رد نشد.

کلانشهری معاصر بروز می‌کند^۲ بر پایه حضور کنشگران اصلی بازی مدیریت شهری امکان پذیر است. پروژه‌های توانمندسازی در واقع به مثابه ابزاری برای مشارکت بیشتر سکونتگاه‌های غیررسمی در فرایندهای شهری است که در صورت توجه به دارایی‌های گسترده اجتماعی - فرهنگی یا تقویت دارایی‌های محدود مالی ایشان، ساکنان این نوع سکونتگاه‌ها دیگر نه به مثابه معضل بلکه به عنوان بخشی از راهحل ایفای نقش خواهند نمود.

منابع:

- پیری عیسی (۱۳۹۰). **تبیین علمی حکمروایی مطلوب و کارایی ارتباطی شهر**؛ مطالعه موردی: نظام شهری استان آذربایجان شرقی؛ پایان نامه دکترا، دانشگاه تبریز.
- پیری عیسی، براتعلی خاکپور (۱۳۸۳)، **آسیب‌شناسی اجتماعی شهر و نقش سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی شهروندان در کاهش آن**، مجله علوم اجتماعی، دوره دوم، شماره ۲، دانشگاه فردوسی مشهد.
- پیری عیسی، نادر زالی، علی اکبر تقی‌لو (۱۳۹۰)، **امکان سنجی به کارگیری رهیافت توانمندسازی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی نمونه موردی: ناحیه اسکان غیررسمی گلشهر مشهد**، مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره ۱۴، دانشگاه اصفهان.
- پیران پرویز (۱۳۸۴)، **آزادی و عدالت**، مجله نامه، شماره ۴۱.
- شکویی حسین (۱۳۷۸)، **اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا**، نشر گیتاشناسی.
- کالینیکوس آکس (۱۳۸۵)، **درآمدی تاریخی بر نظریه اجتماعی**، ترجمه اکبر معصوم بیگی، نشر آگه.
- کیویستو پیتر (۱۳۸۵)، **اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ پنجم، نشر نی، تهران.
- حاتمی‌نژاد حسین و محمد جعفر زمردیان (۱۳۸۱)، **اسکان غیررسمی در مشهد**، شهرداری‌ها، سال چهارم، شماره ۴۵.
- عارفی مهیار (۱۳۸۰)، **به سوی رویکرد دارایی مبنای توسعه اجتماع محلی**، ترجمه نوین تولایی، هنرهای زیبا، شماره ۱۰.
- فوکو میشل (۱۳۸۹)، **نظم اشیاء؛ دیرینه‌شناسی علوم انسانی**، ترجمه یحیی امامی، چاپ اول، نشر پژوهش‌گده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران.
- منوچهری عباس، نجاتی حسینی سید محمود (۱۳۸۵)، **درآمدی بر نظریه شهروندی گفت‌وگویی در فلسفه سیاسی هابرماس**، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۹، صص: ۱-۲۷.

۲ این بحران‌ها با گذار به سرمایه‌داری مالی و افزایش حجم بدهی‌های پولی شدت بیشتری یافته است. قبل از استیلای مالی‌گرایی توسعه شهری، بحران سال ۱۹۳۳ که در بطن اقتصاد آدام اسمیتی روی داد تا دهه ۱۹۷۰ به صورت جهانی تکرار نشد. در حالی که بحران مالی فقط در دهه اول قرن بیست و یکم سه بار در سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۱ تکرار شده است که گریبان‌گیر بسیاری از اقتصادهای کلانشهری کشورهای مختلف دنیا شده است.

معضل اصلی بسیاری از راهبردهای مواجهه با سکونتگاه‌های غیررسمی، نادیده انگاشتن آنها به عنوان یک اجتماع محلی با شبکه‌های گسترده اعتماد و هنجارسازی است که می‌تواند با حمایت دولت و نقش تسهیل‌گر آن دارایی‌های خود را به میان آورده و معضل خود را با کنشی ارتباطی^۱، حل نمایند. رویکرد دارایی - مبنای توسعه اجتماعات محلی در برابر رویکرد نیاز - مبنای بر ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی از رهگذر سرمایه‌های اجتماعی، کالبدی و مالی آنها می‌نگرد و با رویکردی فرایندگرایانه این نوع سرمایه‌ها را در فرایند توسعه پایدار شهری، ابزاری برای جامع‌نگری و انسجام رفاه و خوشبختی مردم و مکان می‌داند. تصویر ۱ بیانگر گذار از رویکرد نیاز به دارایی، باعث جایگزینی فرهنگ استحقاق و فقر با رهیافت توانمندسازی و تعهد می‌شود که پیامد آن وضعیت برد - برد برای ساکنان و دولت محلی خواهد بود. سیاست‌های دارایی مبنای توسعه اجتماعات محلی دارای مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، سرمایه مالی و سرمایه کالبدی است که ابعاد هر یک از این مؤلفه‌ها در مدل مفهومی تحقیق آمده است. در تعیین ضرایب آلفا کرونباخ برای هر سازه اصلی ۵ گویه متناظر با ابعاد مطرح شده در مدل مفهومی، بیان شده است تا پوشش کافی برای سنجش آنها به دست آید. نتایج تحلیل همبستگی پیرسون در جدول ۵ و همچنین نتایج تحلیل رگرسیون دومتغیره و چند متغیره بر معنی داری رابطه بین دو متغیر مستقل و وابسته تأکید می‌کنند. با توجه به تحولات گسترده‌ای که مسبوق به انقلاب فناورانه در حوزه‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جامعه روی داده است، گذار به پارادایم‌های مشارکتی مدیریت شهری همانند حکمروایی مطلوب را تسهیل کرده است. در پارادایم‌های اخیر انسجام مدیریت شهری به شکل پراکنده و متکثر عمل می‌کند و پراکندگی اجتماعات محلی مخصوصاً در سکونتگاه‌های غیررسمی به صورت منسجم بازنمایی می‌شود. این وحدت در کثرت با سیاست متکثر شهری همراه می‌شود. توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی بر پایه دارایی‌های محلی همسو و موازی با تحولات فرهنگی اخیر و مبانی مشارکتی الگوهایی همانند حکمروایی مطلوب و سیاست متکثر شهری است. قدرت تقسیم منابع و امکانات و همچنین تسهیم ریسک‌های بحران‌های ادواری که در اقتصادهای

۱ نظریه کنش ارتباطی هابرماس فیلسوف آلمانی و پیرو مکتب انتقادی فرانکفورت. هابرماس دو نوع کنش عقلانی را مشخص می‌کند. کنش عقلانی - هدفمند که با رعایت قواعد فنی تمیل می‌شود و کنش ارتباطی که در آن هنجارهای وفاقی از زبان مشترک میان ذهنی ناشی می‌شوند. اولی کنشی عقلانی است که نیروهای اقتصادی و فناوری را هدایت می‌کند و دومی نوعی عقلانیت است که باید شهروندان را در تصمیم‌گیری هدایت کند (Habermas, 1970: 1984). نقل شده در کیویستو، ۱۳۸۵: ۱۱۰). راهحل هابرماس برای بحران معرفتی مدرنیته آن است که پارادایم دانش معطوف به هدف (مبتنی بر عقلانیت ابزاری) را با مدلی جایگزین کنیم که فرایندهای درک و تفاهم بین سوزه‌هایی قادر به کلام و کنش را توصیف می‌کند. سوزه ناپدید نمی‌شود بلکه مرکزیت خود را از دست می‌دهد و به جای آن عقلانیت ارتباطی می‌نشیند. عقل ارتباطی فرایندی است که در ظرف زمانی همواره - قبلاً جریان دارد (Howard, 1989: 126).

- نقدی اسدالله، رسول صادقی (۱۳۸۵)، **حاشیه‌نشینانی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری با تأکید بر همدان**. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۰.
- نوذری حسینعلی (۱۳۸۹)، **بازخوانی هابرماس: درآمدی بر آرا، اندیشه‌ها و نظریه‌های یورگن هابرماس**. نشر چشمه.
- Arefi, M. (2004), **An asset-based approach to policy making: revisiting the history of urban planning and neighborhood change in Cincinnati's west End**, cities volume 21.
- Chuang Y.C, Chuang K.Y., (2008), **Gender differences in relationships between social capital and individual smoking and drinking behavior in Taiwan**, Social science and Medicine, No. 67, pp: 1321 – 1330.
- FanniZohre (2006), **Cities and urbanization in Iran after Islamic revolution**, available at: www.elsevier.com/locate/cities
- Howard D. (1989), **The politics of critique: Habermas' attempt to preserve the gain modernity**, Macmillan, London.
- LanaW., and Lang H. C. (2004), **provision of urban services in an informal settlement: a case study of camping Penastanggul, Jakarta**, Habitat international, no. 28.
- Mumtaz, B., (2001), **Why City Need Slums**, Habitat debate, Vol. 7, No. 3.
- Maru, T., Ryan, Y., McAlister, R., J., Stafford Smith M., (2007), **Modeling community interactions and social capital dynamics; the case of regional and rural communities of Australia**. Agricultural systems. No. 92.
- Narayan D. (2002), **Empowerment and Poverty reduction**; a source book, the World Bank press.
- Pacione, M. (2005), **Urban Geography**, Cambridge University Press.
- Suzuki E., Takao S. Subramanian SV., Kumatsu H., Doi H., Kawachi I. (2010), **Does low work place social capital have detrimental effect on worker's health?** Social science and Medicine, No. 70, pp: 1367 – 1372.